

بسم الله الرحمن الرحيم

معشرت به معروف؛ بنیاد یک خانواده آرام و پایدار!

(ترجمه)

الله سبحانه و تعالی ازدواج را از نشانه‌های بزرگ قدرت و حکمت خویش قرار داده است؛ چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ [روم: 21]

ترجمه: و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما محبت و رحمت قرار داد.

پس رابطه میان مرد و همسرش، رابطه کشمکش، برتری‌جویی و سلطه‌طلبی نیست؛ بلکه رابطه‌ای است بر پایه آرامش، محبت و رحمت؛ رابطه‌ای که بر ادای حقوق، پذیرفتن مسئولیت‌ها، رفتار نیکو با یکدیگر و همکاری در راه اطاعت از الله سبحانه و تعالی استوار می‌باشد. شریعت بیان کرده است که ازدواج نعمتی مشترک میان زن و شوهر است و نگهداری از این نعمت، با پاسداری از پیمان زناشویی امکان‌پذیر است؛ پیمانی که باید از هرگونه ستم، تجاوز به حقوق یکدیگر و بد رفتاری در زندگی مشترک محفوظ بماند.

مسئولیت مرد در برابر همسرش: الله سبحانه و تعالی مرد را مسئول سرپرستی خانواده‌اش قرار داده و بر عهده او وظایفی گذاشته که به نفقه، فراهم‌کردن مسکن، تهیه لباس، حفاظت و دیگر امور زندگی مربوط می‌شود. اما این مسئولیت به هیچ وجه اجازه‌ای برای سلطه‌گری، توهین یا ستم بر همسر نیست؛ بلکه یک تکلیف، امانت‌داری و مسئولیتی است که انسان در برابر آن مورد بازخواست قرار می‌گیرد. جایگاهی را که الله سبحانه و تعالی برای مرد قرار داده است، اختیار بی‌حد و مرز برای تجاوز و زورگویی نیست؛ بلکه مسئولیت بیشتر و بار سنگین‌تری است. از همین‌رو، الله سبحانه و تعالی مسئولیت سرپرستی مرد بر خانواده را با انفاق، رسیدگی به امور آنان و رفتار نیکو با همسر پیوند داده است.

از مقتضیات این سرپرستی و مسئولیت، این است که شوهر در نیکویی رفتار با همسرش پیش‌قدم شود، با او به شیوه شایسته و پسندیده معاشرت کند، بر برخی امور ناخوشایندی که از او می‌بیند شکبیا باشد و هر اختلافی را سبب دشمنی، ترک رابطه یا طلاق قرار ندهد. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَاعْشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [نساء: 19]

ترجمه: و با آنان به شیوه نیکو رفتار کنید؛ و اگر از آنان بدتان آمد، چه بسا چیزی را نپسندید و الله در آن خیر فراوانی قرار داده باشد.

گاهی ممکن است مرد در همسرش اخلاق یا عادت را نپسندد؛ اما در کنار آن، خصلت‌های دیگری را بیابد که آن‌ها را دوست دارد و می‌پسندد. از همین‌رو، شایسته نیست که یک عیب یا ویژگی ناخوشایند، سبب شود تمام وجود همسرش را نادیده بگیرد، نسبت به او کینه پیدا کند یا با وی بد رفتاری نماید. ستم، تنها به نپرداختن نفقه محدود نمی‌شود؛ ستم بر همسر تنها در نپرداختن نفقه یا کوتاهی در فراهم‌کردن غذا، لباس و مسکن خلاصه نمی‌شود؛ هرچند این امور از حقوق واجب همسر است و کوتاهی در آن‌ها جایز نیست. بلکه ستم می‌تواند در زمینه احساسات و عواطف نیز باشد؛ مانند بی‌توجهی عمدی، سردی و بی‌مهری، توهین، خوار شمردن و این‌که زن احساس کند ارزشی ندارد یا بار اضافی است که کسی خواهان او نیست.

همچنین از جمله ستم‌ها این است که شوهر عمداً همسرش را از لحاظ عاطفی ترک کند، یا با سکوت‌های طولانی او را مجازات نماید، یا به سبب یک اختلاف‌گذا و یا تفاوت در طبیعت و خوی‌ها، از محبت، صمیمیت و نزدیکی

با او دریغ ورزد. اگر ترک رابطه و قهر کردن یک مسلمان با برادر مسلمانش بیش از سه روز جایز نیست، پس چگونه ممکن است مسلمان همسر خود را به دلیل تفاوت‌های طبیعی و اخلاقی که در شمار نشوز و نافرمانی زناشویی قرار نمی‌گیرد، ترک و رها کند؟ ازدواج، چنان که شریعت آن را توصیف کرده است، تنها پیوند جسم‌ها نیست؛ بلکه آمیزش احساسات، مشارکت در اندیشه‌ها و انس گرفتن روح‌ها نیز می‌باشد. از همین‌رو، آسیب رساندن به بُعد عاطفی زندگی زناشویی می‌تواند آرامشی را که الله سبحانه و تعالی یکی از اهداف ازدواج قرار داده است، از میان ببرد.

بزرگ منشی در برابر امور کوچک: زندگی زناشویی زمانی استوار و پایدار نمی‌ماند که زن و شوهر هر عادت کوچک یا هر اختلاف نظر را به جنگی تبدیل کنند که نیازمند مجازات باشد. انسان‌ها در خوی‌ها، گرایش‌ها، شیوه‌های ابراز احساسات و دیدگاه‌های‌شان نسبت به امور خانه و زندگی با یکدیگر متفاوت‌اند. تا زمانی که موضوعی شامل مخالفت با حکم شرعی یا تجاوز به یک حق ثابت نباشد، تفاوت در خوی و طبیعت افراد، هرگز توجیهی برای ستم، توهین یا خشونت و برخورد تند نمی‌باشد.

چشم پوشی از برخی کاستی‌ها و دیدن خوبی‌ها: اسلام راهنمایی کرده است که مؤمن نباید به سبب یک خصلت ناخوشایند، نسبت به همسرش کینه پیدا کند؛ بلکه باید مجموعه ویژگی‌ها و صفات او را در نظر بگیرد، بدی‌های او را در برابر خوبی‌هایش ببخشد و از آنچه نمی‌پسندد، به خاطر آنچه دوست دارد، چشم پوشی کند. این از بزرگ‌ترین راه‌های گسترش رحمت در زندگی زناشویی است؛ زیرا هیچ انسانی کامل نیست و هیچ زندگی مشترکی از اموری که نیازمند شکیبایی و تحمل باشد، خالی نمی‌باشد. زن و شوهر باید از درگیر شدن با امور کوچک و کم‌اهمیت دوری کنند و اجازه ندهند شیطان اختلاف‌های عادی را به دشمنی و کشمکش دوامدار تبدیل کند. زیرا بسیاری از عوامل نزاع میان زوج‌ها چیزی بیشتر از تفاوت در عادت‌ها، شیوه تنظیم امور خانه، روش سخن گفتن، میزان رفت‌وآمد و دیدوبازدید، یا ترجیح دادن برخی امور بر امور دیگر نیست.

همه این موارد با گفت‌وگوی آرام و منطقی، درخواست همراه با نرمی و محبت، گذشت و کوتاه آمدن متقابل حل می‌شود؛ نه با تهدید، مجازات کردن و آسیب رساندن به یکدیگر. نشوز، هر مخالفتی با خواست شوهر نیست. نشوز تنها به معنای هر مخالفتی با خواسته شوهر نیست و هر اختلاف نظر، تفاوت در خوی و طبیعت یا تفاوت در عادت‌های اجتماعی نیز نشوز به شمار نمی‌رود. بلکه نشوز مربوط به مخالفت با احکام شرعی و حقوق ثابت زناشویی است. شوهر حق ندارد عادت‌های شخصی خود، رسوم خانواده‌اش یا سلیقه فردی خویش را به عنوان حکم لازم بر همسرش تحمیل کند و سپس او را به دلیل مخالفت با آن‌ها مورد مجازات قرار دهد.

نشوزی که در شریعت برای آن راهکار اصلاحی بیان شده است، صرفاً به این معنا نیست که زن دارای خوی و طبیعت متفاوت باشد، یا دقیقاً مطابق آنچه مرد در خانه خود به آن عادت کرده است رفتار نکند، یا به هر خواسته شخصی او پاسخ مثبت ندهد. اما تبدیل کردن عادت‌ها، رسوم و سلیقه‌های شخصی به احکام شرعی، سپس استفاده از آن‌ها به عنوان ابزاری برای وادار ساختن زن به تسلیم و خوار کردن او، خود از جمله ستم‌هایی است که در شریعت جایز نمی‌باشد.

تنها برای اختلاف، مجازاتی وجود ندارد: اصل در رابطه زناشویی، محبت، رحمت و معاشرت نیکو است؛ نه مجازات و تنبیه. از همین‌رو، مرد جایز نیست همسرش را به این دلیل مجازات کند که با او گفت‌وگو کرده است، یا در یک دیدگاه با او اختلاف داشته، یا با عادت او موافق نبوده، یا در امری که از نگاه شرعی واجب نیست کوتاهی کرده و یا خوی و طبیعتی متفاوت از خوی و طبیعت او دارد.

شریعت بیان کرده که پند و اندرز، دوری گزیدن از بستر و دیگر شیوه‌های مربوط به اصلاح نشوز، تنها زمانی مطرح می‌شود که یک سبب معتبر شرعی وجود داشته باشد؛ نه به سبب خشم شخصی، جریحه‌دار شدن احساسات

یا احساس برتری جویی. حتی در صورت وجود نشوز نیز هدف، اصلاح و بازگشت به حق است؛ نه انتقام گیری، دلخوش کردن از رنج دیگری یا وارد کردن آسیب.

همچنان، حل اختلافها باید با یادآوری و ترغیب به تقوای الله سبحانه و تعالی، گفت‌وگوی نیکو و تلاش برای اصلاح آغاز شود و شوهر تنها در صورت نیاز به مرحله دیگری منتقل گردد؛ آن هم با رعایت حدود شریعت و دوری از هرگونه ستم.

اشتباه است که شوهر از حق سر پرستی خود برای خاموش ساختن همسرش در هر موضوعی، یا جلوگیری از بیان احساسات او و یا تحمیل نظر خویش در امور دنیوی استفاده کند. زیرا قوامت به معنای سرپرستی، مراقبت و مسؤولیت‌پذیری است؛ نه از بین بردن شخصیت زن و نه سلب کردن عقل، اندیشه یا احساسات او. همسر، شریک در ساختن و آبادانی خانه است و حق دارد با کرامت و احترام با او رفتار شود، سخنانش شنیده شود و به دیدگاه‌ها و احساساتش توجه گردد.

شکیبایی و اصلاح: اسلام به شکیبایی در برابر اموری که یکی از زن و شوهر از دیگری نمی‌پسندد، تشویق کرده است؛ زیرا صبر می‌تواند سبب حفظ خانواده و تداوم خیر و برکت در آن گردد. البته معنای صبر این نیست که انسان ستم‌دیده در برابر ظلم آشکار سکوت کند یا به تجاوز و تعدی رضایت دهد؛ بلکه به این معناست که انسان هر کاستی یا امر ناخوشایندی را سبب ویرانی زندگی قرار ندهد و تا زمانی که اصلاح امکان پذیر است، برای اصلاح و بهبود رابطه تلاش کند. هنگام شدت گرفتن اختلاف، زن و شوهر باید به یاد داشته باشند که طلاق راه حل نهایی است، نه وسیله‌ای برای تهدیدهای روزمره. پیش از رسیدن به آن مرحله، باید مشکل با پند و اندرز، گفت‌وگوی نیکو، صلح و سازش، بهره‌گیری از افراد خردمند و تلاش برای شناخت عوامل سردی رابطه و نشوز، درمان و اصلاح گردد.

الله سبحانه و تعالی اصلاح میان زن و شوهر را راهی مقدم بر ویران ساختن زندگی قرار داده است؛ زیرا هدف از ازدواج، رسیدن به آرامش، حفظ خانواده و پاسداری از تربیت و آینده فرزندان است. در پایان، رابطه میان مرد و همسرش پیمانی است که بر محبت و رحمت استوار می‌باشد؛ پیمانی که بر اساس آن هر یک از آن دو باید حق دیگری را به شیوه نیکو و شایسته ادا کند.

مرد در برابر همسرش مسؤول است و این مسؤولیت، هم تأمین نفقه، حفاظت و رسیدگی به امور او را در بر می‌گیرد و هم نرم‌خویی، احترام گذاشتن و رعایت احساسات او را. بنابراین، جایز نیست که مرد در مال، جسم، کرامت یا عواطف همسرش بر او ستم روا دارد.

بر شوهر جایز نیست همسرش را تنها به دلیل تفاوت در خوی و طبیعت، عادت‌ها، رسوم یا دیدگاه‌ها مجازات کند؛ بلکه راهکار اصلاحی زمانی مطرح می‌شود که نشوز واقعی وجود داشته باشد؛ نشوزی که به مخالفت با یک حکم شرعی یا یک حق ثابت مربوط باشد، آن هم به اندازه‌ای که هدف آن اصلاح باشد و از ستم جلوگیری کند. اما در برابر امور کوچک و کم اهمیت، گذشت کردن، چشم‌پوشی، پذیرفتن تفاوت‌های طبیعی میان انسان‌ها و پیشی گرفتن در انجام رفتارهای نیکو، از عواملی است که محبت و رحمت را در زندگی دوام می‌بخشد و خانه را از عوامل فروپاشی و ویرانی محفوظ نگه می‌دارد.

نویسنده: بلال المهاجر

مترجم: پارسا امیدی